

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله دوم: گشایش
فصل اول

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله دوم

فصل اول

چرا باید گشایشی در کار باشد؟

چون عمدتاً، متقاضیان در راه اشتباهی بسر می برند. دلیل ممکن است نادانی، نافرمانی، و یا هر دو نیز باشد. تغییراتی که کلام خدا ایجاد می کنند نه تنها ”از خود دور کردن است“، بلکه ”بخود افزودن“ نیز می باشند(۱). عقاید و رفتار های گذشته لازم است تغییر کنند و بر میوه روح القدس استوار گردند:

افسیان ۴

- ۲۲: شما آموختید که باید به لحاظ شیوه زندگی پیشین خود، آن انسان قدیم را که تحت تأثیر امیال فریبده دستخوش فساد بود، از تن به در آورید.
- ۲۳: باید طرز فکر شما نو شود،
- ۲۴: و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد.
- ۲۵: پس، از دروغ روی برتافته، هر یک با همسایه خود، سخن به راستی گوئید، چرا که ما همه، اعضای یکدیگریم.
- ۲۶: «هنگامی که خشمگین می شوید، گناه نکنید»: مگذارید روزتان در خشم به سر رسد،
- ۲۷: و ابلیس را مجال ندهید.
- ۲۸: دزد دیگر دزدی نکند، بلکه به کار مشغول شود، و با دستهای خود کاری سودمند انجام دهد، تا بتواند نیازمندان را نیز چیزی دهد.
- ۲۹: دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود، بلکه گفتارتان به تمامی برای بنای دیگران به کار آید و نیازی را برآورده، شنوندگان را فیض رساند.
- ۳۰: روح قدّوس خدا را که بدان برای روز رهایی مهر شده اید، غمگین مسازید.
- ۳۱: هر گونه تلخی، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هر نوع بدخواهی را از خود دور کنید.
- ۳۲: با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید و همان گونه که خدا شما را در مسیح بخشوده است، شما نیز یکدیگر را ببخشایید.

در این آیات اساس رشد روحانی مسیحی را می شناسیم(۲). اما توجه داشته باشید که این فرآیند ”از خود دور کردن/بخود افزودن“ به خودی خود بوجود نمی آید (اگر اینطور بود، خدا تغییرات لازم را امر نمی کرد). آن ”طرز فکر نو“ می باشد (آنچه آموخته و به دل سپرده شده)، که تبدیل به زندگی روحانی می شود. و چون این طرز فکر نو از عقاید و رفتار های گناه آلود سر چشمه نمی گیرد، مکاشفه ای را لازم دارد، از جانب خدا، تا این راه و روش تازه به سمر برسد (ثمره روح القدس). خدا افکار و رفتار خود را از طریق شخص عیسی مسیح برای ما مکشوف نمود، و مسیح نیز آنها را به ما نشان داد و ”تفسیر“ کرد (زبان گفتار و رفتار). و چگونه شد که انجام پذیرفت؟

یوحنا ۱

۱۴: و کلام، انسان خاکی شد و در میان ما مسکن گزید. و ما بر جلال او نگرستیم، جلالی درخور آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی.

این مکاشفه جسمانی خدا را، که شهادت از وجود نیکی و حقیقت مطلق در جسم انسان خاکی می دهد، در کلامش می خوانیم. از طریق همان کلامی که در حکایت از عیسی مسیح، می گوید “خاکی شد و در میان ما مسکن گزید”، خدا متقاضی شما را نیز مانند عیسی مسیح “پر از فیض و راستی” خواهد نمود.

انسان اولیه (آدم و حوا) نیز دارای همین “فیض و راستی” بودند. آنها تسلط بر همه چیز را داشتند. اما در سقوطشان، آن را از دست دادند. حال که متقاضی نجات را یافته، همان “فیض و راستی” از طریق روح القدس که در او ساکن است، در دسترس او نیز متی باشد:

کولسیان ۳

۱۰: و انسان جدید را در بر کرده اید، که در معرفت حقیقی هر آن نو می شود تا به صورت آفریننده خویش درآید.

افسیسیان ۴

۲۴: و انسان جدید را در بر کنید، که آفریده شده است تا در پارسایی و قدوسیت حقیقی، شبیه خدا باشد.

حال که متقاضی “آفریده شده” در “پارسایی و قدوسیت” بسر می برد، نیاز دارد آن را “دربار” نیز بکند. باید به تن بگیرد تا “شبیه خدا باشد”. در کلام خدا، شباهت به خدا را تنها در سخن نمی بینیم، بلکه در جمیع رفتار و کردار های روزانه فرزند خدا نیز مشاهده می کنیم. و این “پارسایی و قدوسیت حقیقی” را در کلام خدا می یابیم. همان کلام “پارسایی و قدوسیت حقیقی” که در موجودیت انسان خاکی (یعنی عیسی مسیح) خود را نشان داد. و اینجا است، که در مشاوره مسیحی، با استفاده از مسائل و مشکلات زندگی^(۳)، متقاضی را در مسیر شناخت آن “پارسایی و قدوسیت حقیقی”، و ترکیب خاصی که در زندگی او دارد، قرار می دهیم. فرآیندی که مشاوره مسیحی دارد (بطوری که در فهرست کتاب مشروح است) شامل سه مرحله می باشد، که مرحله دوم آن را “گشایش” نام برده ام. زمانی باید ایجاد شده باشد که در آن کلام خدا خود را بگونه ای آشکار کند تا متقاضی نه تنها به جانب افکار خدا، بلکه رفتار او نیز روی آورد. این “مرز” نامرئی، در عالم روحانی وجود دارد، که در آن عقاید و افکار تازه ای که از کلام صادر شده را روح القدس جامع عمل می پوشاند. گشایشی است که هم خصوصیات فکری دارد و هم عملی. هر دو را لازم می باشد تا کلام در متقاضی جسم پوشیده و او نیز “شبیه خدا باشد”. منظور کلام همین است:

اشعیا ۵۵

۱۱: همچنان کلام من که از دهانم صادر گردد خواهد بود. نزد من بی ثمر نخواهد برگشت بلکه آنچه را که خواستم بجا خواهد آورد و برای آنچه آن را فرستادم کامران خواهد گردید.

“ثمری” که خدا از کلامش می خواهد، این است که “آنچه را که خواستم” را در متقاضی “بجا”

آورد، و «برای آنچه آن را فرستادم» در متقاضی (بگونه ویژه) «کامران» گردد. این مرزی است که متقاضی باید از آن عبور کند تا کلام در او «بجا» آورده و «کامران» شود. برای شناخت بیشتر از این «گشایش»، لازم است برگردیم به کلام:

اول قرن‌تین ۲

- ۶: اما در عین حال، ما در میان بالغان از حکمت سخن می‌گوییم، اما نه از حکمتی که متعلق به این دنیا یا حکمرانان این عصر باشد که محکوم به زوالند،
- ۷: بلکه از حکمت پنهان خدا سخن می‌گوییم که از دیده‌ها نهان است و خدا آن را پیش از آغاز زمان، برای جلال ما مقرر فرموده است.
- ۸: اما هیچ یک از حکمرانان عصر حاضر این حکمت را درک نکردند، زیرا اگر آن را درک کرده بودند، خداوند جلال را بر صلیب نمی‌کردند.
- ۹: چنانکه آمده است: «آنچه را هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی نشنیده، و به هیچ اندیشه‌ای نرسیده، خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است.»
- ۱۰: زیرا خدا آن را توسط روح خود بر ما آشکار ساخته، چرا که روح، همه چیز حتی اعماق خدا را نیز می‌کاود.
- ۱۱: زیرا کیست که از افکار آدمی آگاه باشد، جز روح خود او که در درون اوست؟ بر همین قیاس، فقط روح خداست که از افکار خدا آگاه است.
- ۱۲: ولی ما نه روح این دنیا، بلکه روحی را یافته ایم که از خداست تا آنچه را خدا به ما عطا کرده است، بدانیم.
- ۱۳: و از همین سخن می‌گوییم، آن هم نه با کلماتی که آموخته حکمت بشری باشد، بلکه با کلماتی که روح می‌آموزد؛ و بدین سان حقایق روحانی را با کلماتی روحانی بیان می‌کنیم.
- ۱۴: اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا در نظرش جهالت است، و قادر به درکشان نیست، چرا که قضاوت درست درباره آنها تنها از دیدگاهی روحانی میسر است.
- ۱۵: اما شخص روحانی درباره همه چیز قضاوت می‌کند، ولی هیچ کس نمی‌تواند درباره او قضاوت کند.
- ۱۶: «زیرا کیست که از فکر خداوند آگاه باشد تا بتواند او را تعلیم دهد؟» ولی ما فکر مسیح را داریم.

البته این به آن معنی نمی‌باشد که پس از گشایش، متقاضی بطور کامل تغییر یافته، و امکان ندارد که دوباره به نحو زندگی قبلی خود باز گردد. تغییری که یافته، تنها بازگوی این حقیقت است، که لاعقل در این برحه از زندگیش، قدمی را در راه خدا پیش کشیده که باعث جابجائی راه و روش های قدیم با راه و روش های جدید زندگیش شده.

حال باید امکان آن را بدهیم که متقاضی کلام را در زمان گذشته درک کرده، و حتی بر طبق افکار و رفتار های تازه آن زندگی نیز کرده، اما حال به راه و روش گناه آلود گذشته خود بازگشت نموده است. در این صورت لزومی به شناخت راه و روش های تازه ندارد چون قبلاً به آن معرفی شده. آنچه لازم دارد، شناخت حقایق مربوط به «نافرمانی» از خدا است. همان نافرمانی که باعث مسائل و مشکلاتی شد که او را به مشاوره مسیحی آورده. همان راه باطلی که باعث همه مسائل و مشکلات زندگی بشر شده. اما توجه نیز داشته باشید که کلام خدا تشویق را همراه هشدار هائی که می‌دهد نیز می‌کند. هر دو لازم است تا توبه (تغییر افکار و رفتار) را عمل آورده و متقاضی را

نه تنها از منجلا ب گناه بیرون آورد، بلکه در او ”ریشه دوانده“، و ”استوار“ گرداند:

افسیان ۳

۱۷: تا مسیح به واسطه ایمان در دلهای شما ساکن شود، و در محبت ریشه دوانیده، استوار گردید،

این ”ریشه“ و ”ساکن شدن“ مسیح در دل متقاضی، زمانی آغاز می شود که روح القدس قدرتی را در او ایجاد کرده باشد:

افسیان ۳

۱۶: و دعا می کنم که بر حسب غنای جلال خود به شما عطا فرماید که در انسان باطنی خویش به مدد روح او قوی و نیرومند شوید،

و در ”مدد روح او قوی و نیرومند“ گردد ”تا مسیح به واسطه ایمان“ در دل متقاضی ”ساکن شود“ (آیه ۱۷).

در جای دیگری از کلام خدا، راجع به ”ساکن شدن“ عیسی مسیح در متقاضی اینطور گفته شده:

کولسیان ۳

۱۶: کلام مسیح به دولتمندی در شما ساکن شود؛ و با مزامیر، سرودها و نغمه هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم دهید؛ و با شکر گزاری و از صمیم دل برای خدا بسرایید.

”دولتمندی“ واژه ایست که صحبت از حاکمیت می کند. این حاکمیت کلام نه تنها از طریق پند و تعلیم لفظی باید جای بگیرد، بلکه عملاً و با اقتدار میوه آن تعلیم را نیز در متقاضی بوجود آورد. می توان آن را به عبارت دیگر، تقویت ایمان متقاضی معرفی کرد(۴). لازم است توجه خاصی به این موضوع داده شود، چون کار مشاوره مسیحی معمولاً شامل ”ریشه دواندن“ زندگی روحانی و ”ساکن شدن“ متقاضی در مسیح نیز می باشد.

در نتیجه، حذف مشاوره مسیحی (و فرقی نمی کند مسائل و مشکلات متقاضی چه باشند) را می توان به دو قسمت تقسیم کرد:

۱. هدایت متقاضی به سمت ”گشایش“، که در آن ایماندار با حقایق از کلام خدا آشنا می شود، و آن را بگونه ویژه خود در زندگی بکار می برد.
۲. متقاضی را در مسیح و کلام خدا ریشه دوانده (آگاه و با تجربه کرده) تا دیگر به وسوسه های زندگی گذشته خود باز نگردد.

حذف شماره ۱، بیشتر جنبه پند را دارد (تعلیم کولسیان ۳: ۱۶)، و حذف شماره ۲، بیشتر جنبه تعلیم را خواهد داشت (مشاوره ای که شامل تعلیم و تادیب است).

در نتیجه لزوم ایجاد گشایش باید تا اینجا واضح شده باشد. اگر متقاضی شما نیاز به حقیقت در زندگی دارد (شاید ایمان به عیسی مسیح آورده اما تعلیمات صحیحی نیافته، و خود نیز جویای آن در کلام نبوده(۴))، بیشتر احتیاج به تعلیم خواهد داشت. اگر تعلیم ناصحیحی را یافته نیز همینطور. پس حذف مشاوره ای که تعلیم را در نظر دارد، این است که متقاضی را بگونه ای تعلیم دهد که

باعث شود آنچه مشاور به زبان آورده در زندگیش رخنه کند و به این شکل گشایشی از کلام در زندگیش بوجود آورده شود. دعای شما نیز همین باید باشد.

از جانب دیگر، مشاورى که هدفش تادیب می باشد (که نافرمانی کرده یا ضعیف می باشد) این است که او را به جانب توبه هدایت کند و او را در روح خدا چنان تقویت نماید که زندگیش مطابق با احکام خدا پیش رود. این هدف نیز نیاز به گشایش دارد، بطوری که سرپیچی و مخالفت متوقف شود و به جای آن اشتیاق به راه و روش های خدا جایش را پر کند.

گشایشی که صحبت از آن می کنیم، به هر گونه که باشد، اساس موفقیت مشاوره را بجای می آورد. جلسات اولیه ممکن است بیشتر شامل سستی و بهانه تراشی باشند. تکالیف خانگی ممکن است به تعویق افتاده و یا با بی میلی و ناتمام انجام شده باشند. کوشش های متقاضی ممکن است با شکست هائی مواجه شده و او را وسوسه به گناه کرده باشد، یا هر چه دیگر. این دوره سخت و دشوار را می توان به شکل بالا رفتن از کوه مجسم کرد. اما، حال که گشایشی ایجاد شده، مشاوره نقطه عطفی را گذرانده، و از آن پس، راه سر پائینی خواهد بود. از آن پس، کار مشاور نیز راحت تر خواهد شد. حال آنکه ممکن است کار های زیادی در امر تحکیم زیر بنا و ریشه سازی باقی مانده باشد، اما مشاوره طعم شیرینی را برای هر دو متقاضی و مشاور بجای می آورد (د). بجای مقابله با هم، همکاری خواهند کرد. با هم حصول خالصی را بدست خواهند آورد و آنها را تحکیم خواهند ساخت. اصول کلام در جسم رخنه خواهد کرد. حقیقت آشکار خواهد شد. قدوسیت در راه است، و با پیروزی های دیگر متقاضی، دائماً در زندگی او حضور خواهد داشت. و بخاطر انضباطی که زندگیش بدست آورده، از آن پس شباهت به خدا آسانتر خواهد شد. و اگر در گذر جلسات آینده، مسئله تازه ای نیز پدیدار گردد، گشایش آن با سرعت بیشتری ایجاد خواهد شد و فرق بزرگ و جامعی را ببار خواهد آورد. اطمینان بیشتری نسبت به پیروزی های دیگر ایجاد می گردد. متقاضی مطمئن است که قبلاً پیروزی را در راه خدا کسب کرده و به این دلیل اعتبار بیشتری را برای پیروزی های آینده به خود می دهد. حال رابطه او با خدا بهتر شده و خدا را در زندگیش می بیند. به عبارت دیگر، گشایش باعث جهشی شده به سوی زندگی روحانی که قبلاً وجود نداشت.

پس در این صورت، لازم است گشایش را پیگیری کرد، و زمانی که ایجاد شد آن را شناخت، تا از آن استفاده کرده و پیروزی های دیگری که دنبال دارد را بدست آورد.

فهرست زیر نویس های فصل اول

- (۱) به فصل نوزدهم کتاب ”راهنمای مشاوران مسیحی“ مراجعه کنید.
(این کتاب به زبان فارسی ترجمه شده است)
- (۲) مشاوره مسیحی رشد روحانی متقاضی را حذف قرار می دهد. بطوری که خواهیم دید، شامل کشت و کار روح القدس می باشد.
- (۳) مسائل و مشکلات انسان بخاطر راه روش زندگی گناه آلودی است که اختیار کرده. در خدا (که موجودی بهشتی است)، مسائل و مشکلاتی وجود ندارد. اگر راه خدا برای کسی مشکل و طاقت فرسا است، نباید آن را در ردیف مسائل طاقت فرسای زندگی شمرد. ایمان و پایداری است که زمینه را برای روح القدس فراهم می سازد تا میوه بار آورد. خدا حلال مسائل زندگی است، نه بانی آن.
- (۴) مانند بسیاری که قدم اول را در ازدواج بر می دارند، اما بقیه راه را ادامه نمی دهند.
- (۵) دوره قبلی ممکن است پر از تلاش و زحمت برای هر دو بوده، یکی تلاش در انجام خواست خدا، و دیگری تلاش در مخالفت با آن.